

یادداشت

کرونا و فرصت اصلاح کنکور دکترا



حسین آخانی
استاد دانشگاه تهران

● یکی از چالش‌ترین بحث‌های این روزهای کرونایی برگزاری کنکور در دانشگاه‌های ایران است. اگرچه در سال ۸۶ قانونی برای حذف کنکور وضع شد ولی هرگز نتوانستند یا نخواستند سایه این غول سیاه را از آموزش عالی بردارند. متأسفانه کنکور به دوره‌های کارشناسی ارشد و حتی دکترا هم تسری پیدا کرد. به جرئت می‌توان گفت که برگزاری کنکور در مقطع دکترا یکی از بی‌فایده‌ترین کنکورهایست. اگرچه قبولی در این کنکور با فرایند مصاحبه تکمیل می‌شود ولی برگزاری جلسات مصاحبه نیز چندان بهتر از امتحان کتبی نیست. این مراسم سودی جز استرس برای داوطلبان و گرفتن وقت همکاران دانشگاهی و تحمیل هزینه‌های سنگین و البته درآمدزایی برای سازمان برگزاری نداشته و الزاماً منجر به انتخاب بهترین و مستعدترین داوطلب‌ها نمی‌شود. نگارنده بارها به برگزاری این نوع کنکور اعتراض داشته و سال‌هاست نه با سازمان سنجش در طرح سؤال شرکت داشته و نه علاقه‌ای به گرفتن دانشجوی دکترا با این فرایند نادرست دارم. چندبار از بین داوطلبان فرد مناسبی را انتخاب کردم که از دانشگاه‌های دیگر بودند. متأسفانه چون این افراد فکر می‌کردند در دانشگاه تهران شانس ندارند و دانشگاه تهران را در اولویت خود انتخاب نکرده بودند، سیستم کامپیوتری آنها را به دانشگاه‌های دیگر فرستاد. متأسفانه دیوان‌سالاری حاکم بر وزارت علوم، مافیایی به برگزاری چنین امتحاناتی بهره می‌برد و دخالت سیاسیون و به‌خصوص مجلس باعث شده است که این فرایند غلط و فسادآور ادامه یابد. دانشجوی دکترا یک شغل دانشگاهی محسوب می‌شود که در آن یک استاد دانشگاه به‌عنوان مجری فردی که توانایی انجام پروژه مشخصی را دارد، استخدام می‌کند. از تاجایی که همه استادان و به‌همراهی تحصیلی امکان گرفتن پروژه مناسب را ندارند، نهادهایی در دنیا به وجود آمده است که به دانشجویان دکترا بورسیه می‌دهند. بورسیه در حقیقت حقوقی است که معمولاً به مدت سه تا چهار سال به یک دانشجوی داوطلب دوره دکترا داده می‌شود که او تمام‌وقت با امکاناتی که استاد راهنما تعیین می‌کند، درخصوص موضوع مشخصی پژوهش کند. حاصل این پژوهش به‌صورت رساله تهیه و منتشر می‌شود. فلسفه انتشار هم کاملاً مشخص است. رساله باید به‌گونه‌ای نوشته شود که تمام‌وکمال قابل انتشار باشد. در گذشته رسم این بود که رساله یا به‌صورت کتاب منتشر می‌شد یا در نسخه‌هایی (مثلاً ۵۰ نسخه) تکثیر می‌شد که کتابخانه‌های معروف هر کشوری آنها را داشته باشند. در این سال‌ها این روند تغییراتی کرده است. در بسیاری از کشورهایی که از نظر علمی دارای سطح علمی بالایی هستند، به‌جای انتشار کل رساله، فصل‌های آن طوری تنظیم می‌شود که هر کدام بتواند به‌صورت مقاله جداگانه‌ای منتشر شود. انتشار مجازی هم این امکان را داده است که رساله‌های دکترا بلافاصله به‌صورت پی‌دی‌اف در اختیار همه قرار گیرند. آنچه در کشور ما به‌صورت دوره‌های دکترا برگزار می‌شود، تقریباً یک روش ناکارآمد است که کمتر کشوری در جهان آن را اجرا می‌کند. در این روش به‌جای آنکه هدف گرفتن دانشجوی دکترا حل یک مسئله علمی باشد، هدف حل مسئله عمده ما اعضای هیئت‌علمی یعنی پرکردن سوابقمان است. ما نیاز داریم دانشجو بگیریم تا با کمک آنها به‌لای‌های ترقی دانشگاهی خود را طی کنیم. آیین‌نامه‌های حق‌التدریس، ترفیع، ارتقا و تبدیل وضعیت‌ بندهای متعددی دارد که با کمک چند دانشجوی کارشناسی ارشد و دکترا می‌شود آنها را پسر کرد و با کمی خوش‌شانسی به‌راحتی از استادیاری به استادتدومی رسید. فقط کافی است در دانشگاهی باشید که به شما اجازه دهند تا دلتان می‌خواهد دانشجوی کارشناسی ارشد و دکترا بگیرید. کم نیستند استادتمام‌هایی که خودشان برای نوشتن یک مقاله در دوران تحصیل خود در ج‌ا می‌زدند و حالا به یمن دانشجویان تحصیلات تکمیلی شمار مقالات آنها سرچشمی می‌شده است. متأسفانه این فرایند نادرست باعث شد تعدادی از مسئولان بی‌سواد و کم‌سواد به‌راحتی صاحب درجه دکترا شوند و این روزها وقتی به جلسه‌ای می‌روی همه هم‌دگر را دکتر خطاب می‌کنند. دکتر هم که شدند با نفوذ خود سعی می‌کنند در یکی از هزاران مؤسسه آموزش عالی و پژوهشی جایگاه عضو هیئت‌علمی را کسب کنند که هم بتوانند از مزایای کسب درآمد از چند منبع بر اساس اصل ۱۴۱ قانون اساسی بهره‌مند شوند و هم هر تصمیمی که می‌گیرند را با پشتوانه آن مدرک درست و بی‌نقص جلوه دهند. اگرچه مردم این روزها حاصل کار کارشناسی این دکترا را در از اقتصاد و اداره کشور می‌بینند اما بد نیست به یک مورد در شاخه خود اشاره کنم که چگونه در همین چند ماه گذشته با حیف‌ومیل صدها میلیارد تومان از بودجه بیت‌المال به بهانه مالچ‌باشی توسط همان دکترهای شاغل در دستگاه‌های دولتی و دانشگاهی چه قیر سیاهی بر حساس‌ترین و مهم‌ترین اکوسیستم‌های کشور پاشیدند؛ درحالی‌که با آن پول می‌شد بزرگ‌ترین تحول را در شاخه نظامی یببانی انجام داد و بهترین متخصصان را در این زمینه تربیت کرد. این مقدمه را نوشتم تا بدانید این‌ روند کنکور و جذب دوره دکترا کاری عبث است و نتیجه آن تنها باعث افزایش شمار خاندنمکترها و آقادهکترها می‌شود ولی دردی از کشور را درمان نمی‌کند که هیچ، بلکه برزخ‌های آن هم می‌افزاید.

ادامه در صفحه ۱۱

شرق: اگرچه در روزهای بازسازی یکی از مخرب‌ترین زلزله‌های چند دهه اخیر ایران یعنی بم، سلبریتی‌های ایرانی نقش چندان‌ی نداشتند اما در زمین‌لرزه سرپل‌ذهاب ماجرا به شیوه‌ای دیگر پیش رفت؛ هنوز چندساعتی از زلزله نگذشته بود که به مدد تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی صدها ویدئو از خرابی پس از زلزله منتشر شد و در همان یکی، دو روز اول هم موجی از کمپین‌های مردمی به راه افتاد. در این میان سلبریتی‌ها و چهره‌های شناخته‌شده عرصه‌های مختلف هم پا به میدان گذاشتند و با انتشار شماره‌کارت در ساعاتی کم کمک‌های چندصدمیلیونی و حتی میلیاردي از مردم دریافت کردند. چهره‌های محبوب سیاست، هنر، ورزش و... اما در همان هفته اول و پس از حضور در شهر زلزله‌زده متوجه شدند کمک‌کردن به زلزله‌زدگان و بازسازی شهر ویران، روندی پیچیده و کاری دشوار است و به همین دلیل به شهرهای خود بازگشتند تا برنامه‌ای مدون برای حساب‌های حالا پرشده خود تدوین کنند. هفته‌ها، ماه‌ها و حالا حتی سال‌ها از آن زلزله می‌گذرد و همچنان تکلیف بخش وسیعی از این پول‌های مردمی که به حساب سلبریتی‌ها واريز شد، نامشخص است؛ براساس اعلام مقامات رسمی، تعدادی از این افراد بدهی بانکی داشتند و بانک‌ها هم بلافاصله پس از پرشدن حساب، پول واريزی مردم را بلوکه کردند و درباره تعدادی هم قرار است رای دادگاه تکلیف را نهایی کند. دادستان کرمانشاه از مردمی به سلبریتی‌ها در زلزله کرمانشاه به ما می‌گوید پول‌هایی که با نیت خیر و با قصد آبادانی سرپل‌ذهاب و کم‌کردن رنج مردم به حساب چهره‌های شاخص سرازير شد، در بسیاری موارد نه‌تنها گرهي را نگشود که خود تبدیل به کلافی پیچیده شده است. شاید همین ماجرا و سرنوشت نامشخص کمک‌های مردمی در زلزله سرپل‌ذهاب هم باعث شد در سیل‌های یکی، دو سال گذشته مردم کمتر به حساب‌های این افراد اقبال نشان دهند و در عوض نهادهای معتبر و خیریه‌های دیگری را به‌عنوان امانت‌دار خود انتخاب کنند. هرچه در این سال‌ها گذشت، حالا نشان می‌دهد که پرونده درخواست کمک سلبریتی‌ها از مردم در شرایط بحران، پرونده‌ای پیچیده و نیازمند کالبدشکافی و آسیب‌شناسی است؛ کاری که در سه سال گذشته تا اندازه‌ای انجام شده اما نه به حدی که مشکل را حل کرده باشد.

سلبریتی‌ها باید برای جمع‌آوری کمک مجوز بگیرند

تازه‌ترین واکنش به این پرونده را می‌توان سخنان دیروز رئیس سازمان مدیریت بحران کشور دانست که از ایجاد محدودیت برای سلبریتی‌ها حکایت دارد. «اسماعیل نجار» که با این‌ا سخن می‌گفت، در پاسخ به این پرسش که آیا در قانون جدید مدیریت بحران نظارتی بر جمع‌آوری کمک توسط سلبریتی‌ها شده است، گفت: «در دستورالعمل‌ها نظارت‌های لازم بر این موارد نیز پیش‌بینی شده است، ما معتقد نیستیم که هر کسی اجازه دهد چهره است، مردم به او کمک کنند. در سیل اخیر نیز با دستگاه قضائی هماهنگ کردیم تا هر کسی می‌خواهد کمک جمع‌آوری کند، حتماً مجوزهای لازم را داشته باشد». او همچنین در پاسخ به پرسشی درباره نتیجه پرونده‌هایی درخصوص کمک‌های جمع‌آوری‌شده توسط سلبریتی‌ها در زلزله کرمانشاه هم گفت: «طلاعی است از نتیجه آنها ندارم اما در قانون نیز مشخص کرده‌ایم فداکار خدمت کسی است که مجوز لازم را برای حضور در محل حادثه داشته باشد و این‌گونه نیست که هرکسی بتواند در محل حادثه حاضر شود». به نظر می‌آید محدودیت اعلام‌شده از سوی رئیس سازمان مدیریت بحران به ماده ۱۶ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور برمی‌گردد که یکی از وظایف این سازمان را به این صورت بیان می‌کند: «تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به چگونگی جذب، توزیع و استفاده از کمک‌های مردمی، خارجی و بین‌المللی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و ارائه آن به هیئت وزیران جهت تصویب و پیگیری آنها». حالا سازمان مدیریت بحران براساس این ماده قانونی، مصوبه‌ای تدوین کرده که افراد شاخص عرصه‌های مختلف

حاشیه‌های کنکور کرونایی

شرق: آمار مرگ‌ومیر و بستری ناشی از ابتلا به کرونا نشان می‌دهد که فعلاً خبری از سیر نزولی یا کاهش آیدمی ندارد. تنها از جمعه تا دوشنبه ۲۱۶ بیمار مبتلای دیگر از دست رفتند و محدودیت‌های نه‌چندان جدی در تهران هم بار دیگر برای یک هفته تمدید شد. در چنین شرایطی برگزاری اجتماعات می‌تواند خطر جدی مرگ را به‌همراه داشته باشد. از ابتدای ورود کرونا به ایران مراسم‌های عز‌ا و عروسی لغو شد و مردم تاجایی‌که وضعیت اقتصادی به‌اندازه‌ای بدتر می‌داد، در خانه ماندند؛ اما آمدن گرمای ۴۰ درجه‌ای هم با آنکه بخشی از پزشکان امیدوار بودند باعث کم‌شدن قدرت این ویروس شود، نتوانست کمکی بکند. شاید به امید آمدن گرما بود که مسئولان آموزشی کشور فکری به حال کنکورهای تابستانی کشور نکردند؛ از ۱۸ساله‌ها تا کسانی که می‌خواهند مدرک دکترا بگیرند، در ماه‌های پایانی بهار و روزهای اول تابستان آزمون و کنکور می‌دادند. کنکوری که سال‌هاست قرار است برچیده شود، اما اراده جدی برای برچیده‌شدنش وجود ندارد. با رسیدن به روزهای منتهی به کنکور سروصدا آغاز شد و در فضای مجازی از یک طرف و دیدار با مسئولان از طرف دیگر بخشی از دانش‌آموزان و همین‌طور برخی از مسئولان درباره خطرات برپایی کنکور صحبت کردند؛ اما ۲۴ ساعت گذشته کنکور دکترا برگزار شد، پایان هفته جاری متقاضیان ارشد امتحان می‌دهند و حدود دو هفته دیگر هم نوبت کنکوری‌هاست که دلشان می‌خواهد روی صندلی دانشگاه بنشینند؛ اما در این میان برگزاری کنکور با حفظ پروتکل‌های بهداشتی به دغدغه همه آنتهایی تبدیل شده که هم می‌خواهند اینکه دانش‌آموزان و دانشجویان به خطر نیفتد و هم نگران آمار مرگ روزانه هزارو ۶۰۰ نفر در پاییز هستند که اپیدمیولوژیست‌ها پیش‌بینی کرده‌اند. با همه این‌ها به نظر می‌رسد متولیان برگزاری کنکور خیال کوتاه‌آمدن ندارند و قرار است آزمون‌ها در موعد مقرر برگزار شود؛ برای مثال رئیس سازمان سنجش و آموزش کشور با بیان اینکه فله جایگزینی برای پذیرش داوطلبان در رشته‌های پرمقاضا مانند رشته‌های پزشکی وجود ندارد و برطرف‌دارها حذف‌شدنی نیستند، درباره آخرین تصمیم وزارت علوم و مسئولان کشوری برای حذف کنکور و شیوه پذیرش در دانشگاه‌ها تاکید کرد؛ درحال حاضر داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها به‌ویژه در رشته‌های برطرف‌دار برنامه‌ریزی‌های خود را انجام داده‌اند و ما نمی‌توانیم ۱۰ روز باقی‌مانده به آزمون اعلام

جامعه

برای جذب کمک‌های مردمی باید مجوز بگیرند

محدودکردن «سلبریتی‌های خیر»



بازدید سیمناگران از مناطق زلزله‌زده کرمانشاه

برای جذب کمک‌های مردمی باید مجوز دریافت کنند.

از پرونده کمک به زلزله‌زدگان چه خبر؟

بی‌تردید مصوبه تازه سازمان مدیریت بحران کشور ریشه در ماجراهای پس از زلزله کرمانشاه دارد که در آن روزها افراد زیادی با انتشار شماره‌کارت مبالغ زیادی از مردم با نیت کمک به زلزله‌زدگان دریافت کردند. تکلیف بخش وسیعی از آن کمک‌ها البته همچنان نامشخص است. ماجرابی که از چند ماه پس از زلزله به بحثی جدی تبدیل شد و تیر ۹۷ دادستان کرمانشاه از رسیدگی به پرونده ۱۰ سلبریتی که در زلزله سرپل‌ذهاب کرمانشاه اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کردند، در دادسرای سرپل‌ذهاب خبر داد. «محمدحسین صادقی» در آن روز از تشکیل پرونده‌ای دراین‌باره خبر داده بود: «در دادسرای سرپل‌ذهاب پرونده‌ای تشکیل شده که لیست اشخاص حقیقی است که وجوه را دریافت کردند و هدایت آنها در حال بررسی است». مهر ۹۷ و در سالگرد زلزله کرمانشاه اخبار تازه‌ای از این پرونده منتشر شد؛ در این‌ماه خبر آمد که صادق زیباکلام، علی‌دایی و برخی از دیگر چهره‌های سرشناس حضاربه‌ای دریافت کردند که از آنان خواسته شده برای ارائه پاره‌ای از توضیحات در مورد چگونگی و میزان جمع‌آوری کمک‌های مردمی در زمان زمین‌لرزه سرپل‌ذهاب، به مرکز تشخیص هویت پلیس آگاهی ناجا مراجعه کنند؛ موضوعی که حواشی زیادی را ایجاد و رئیس پلیس آگاهی ناجا درباره آن توضیحاتی ارائه کرد. «محمدرضا قییمی» همان سال دراین‌باره گفته بود: «دعوت افراد مختلف به پلیس آگاهی برای انجام مصاحبه در این خصوص بوده است و افرادی که به پلیس آگاهی دعوت شدند، نه به‌عنوان مجرم و متهم بلکه به‌عنوان مطلع دعوت و این دعوت‌نامه برای خیلی‌ها صادر شد و آنها هم و آمدند و صحبت کردند و توضیحاتی را ارائه کردند؛ البته برخی هم نماندند». در همان روزها «اسماعیل نجار» رئیس سازمان مدیریت بحران کشور هم توضیحاتی درباره تکلیف و آینده این کمک‌های مردمی ارائه کرد و گفت: «براساس دستورالعمل‌هایی که تعیین شده دستگاه‌ها وظیفه خود را انجام می‌دهند، از همین‌رو به همه افرادی که مبالغی درخصوص کمک به مناطق زلزله‌زده از طریق مردم جمع‌آوری کرده‌اند، اعلام کردیم این مبالغ را در صورتی که در رابطه با امداد‌رسانی به مردم زلزله‌زده است، در اختیار جمعیت هلال‌احمر قرار دهند و اگر درخصوص بازسازی این مناطق است، مبالغ را به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تحویل دهند؛ چراکه این بنیاد وظیفه بازسازی در این مناطق را برعهده دارد». این اتفاق البته درباره بخش وسیعی از این‌کمک‌های مردمی رخ نداد و همچنان تکلیف بخشی از این پول‌ها نامشخص است. همین حاشیه‌ها و همچنین نرسیدن کمک‌های مردمی به دست نیازمندان زلزله‌زده، ضرورت بازنگری در این شیوه کمک را هم برای مردم و هم مسئولان ایجاد کرد و دست‌کم در حوادث پس از این زلزله میزان اعتماد مردم به این‌چهره‌های شاخص کاهش پیدا کرد و در همین بحران کرونا، مردم برای کمک به کادر درمان و بیمارستان‌های کشور، مسیرهای مطمئن دیگری را پیش گرفتند.

دخالت مکرر دولت‌ها در حیات اجتماعی

سیدمرتضی هاشمی‌مدنی، جامعه‌شناس و محقق پسادکترا در دانشگاه ادینبورا (اسکاتلند) در همین رابطه در یادداشتی برای «شرق» نوشت: «نکته اول این است که باید به خاطر داشته باشیم تمام کارکردها و اعمال جامعه را نمی‌توان ساماندهی کرد. جامعه و دغدغه‌هایش و احساس مسئولیت مردم در امور خیریه و حس نوع‌دوستی در میانه بحران امری نیست که بتواند مدام در چارچوب‌های محدود قوانین گنجانده و ساماندهی شود. در زمانه بحران مردم سعی می‌کنند شبکه‌های خودجوش را تشکیل دهند و به هم کمک کنند. این حس همبستگی فرای تشک‌ل‌ها و قوانین و مسئولیت‌های سازمان‌هاست و تلاش برای ساماندهی حاکمتری آن لزوماً منجر به هدایت سیل کمک‌های مردم به سمت نهادهای مسئول نخواهد شد. برعکس گاهی این دخالت‌ها باعث پژمردن‌شدن حس نوع‌دوستی و صدمه‌دیدن جنبش‌های مردمی همراهی با هم‌وطنان آسیب‌دیده خواهد شد. دخالت بیجا و مکرر دولت‌ها در حیات اجتماعی مردم وقتی همراه با بحران اعتماد مردم به دستگاه‌های رسمی باشد، ممکن است به آن حس نیکوکاری تا حدی ضربه بزند. اما نکته دیگر هم این است که در گذشته شاهد بودیم سلبریتی‌ها و افراد مشهور در موزشفق بحران، می‌توانند سبیلی از کمک‌های مردمی را بسپح کنند. اما در نهایت چون تجربه‌ای در زمینه مدیریت بحران و جبران مصائب ناشی از زلزله و سیل ندارند، کمک‌های مردمی را به‌طرز شایسته‌ای به دست مردم نمی‌رسانند. این هدررفتن منابع کمک مردمی هم کمکی به جلب اعتماد مردم در آینده نخواهد کرد و از تعداد کمک‌ها به سازمان‌های رسمی و حرفه‌ای کمک‌رسانی مثل هلال‌احمر خواهد کاست. در واقع، ما اینجا با یک تناقض روبه‌رو هستیم. از طرفی، نمی‌شود مدام بر همه عملکردهای جامعه نظارت کرد. از سوی دیگر، در برخی موارد این اعتماد مردم به سلبریتی‌ها دردرس‌ساز شده، راه‌حل میانه چیست؟ به نظر من باید به قدرت یادگیری جامعه از اشتباهاتش باور داشت. زمانی در انتخابات‌هایی مثل انتخابات شورای شهر اول و دوم احزاب به سمت نامزدکردن سلبریتی‌ها رفتند. مردم هم از این کار استقبال کردند و به کانتی‌گری و روزشکار برای کرسی‌های تخصصی اداره امور شهری اعتماد کردند. اما نتیجه آن قدرها هم مطلوب نبود. ما به‌صورت جمعی از این تجربه انتخاباتی چیزهایی آموختیم، بر اثر آن اشتباه در رأی‌دادن همه ما یک قدم رو به جلو حرکت کردیم. بعد از آن دیگر نه احزاب از این تکنیک برای رأی‌آوردن استفاده کردند و نه مردم به انتخاب سلبریتی‌ها به‌عنوان نماینده و مسئول اشتیاقی نشان دادند. در مورد کردآوری کمک برای بحران‌ها هم تجربیات مشابهی داشته‌ایم. باید به قدرت یادگیری جامعه از اشتباهاتش ایمان داشته باشیم. دل‌مشغولی مدام مسئولان، ساماندهی همه روندهای اجتماعی آسیب‌زاست. دغدغه مدام مسئولان کنترل‌کردن تلاش‌های مردم برای سازمان‌دهی خودجوش‌زندگی اجتماعی‌شان نشان از عدم درک درست مکانیسم‌های خودتنظیمی جامعه دارد.

راه‌حل میانه اطلاع‌رسانی در مورد تبعات منفی کمک به سلبریتی‌هاست. در کنار آن نظارت قوه قضائیه و نهادهای مسئول بر فرایند به‌مقصدرسیدن کمک‌های مردمی اطمینان‌بخش خواهد بود. راه‌حل در بازافتن اعتماد مردم به نهادهای تخصصی کمک‌رسانی مثل هلال‌احمر است. راه‌حل در ارتباطگیری فعال نهادهای رسمی با سلبریتی‌ها و معرفی توانمندی‌ای نهادهای رسمی به آنهاست. به‌صورتی‌که سلبریتی‌ها دچار این توهم نشوند که لزوماً توانایی زیادی در مدیریت بحران دارند و به چشم ببینند که کمک‌رسانی هم امری تخصصی است.

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه۹۹۰۱۱۷

بدینوسیله به حمیدرضا وطن‌پور ، نام پدر: غلامرضا، شماره شناسنامه: ۱۴۰۹/شماره/ ششاسه ملی: ۰۲۰۵/۵۱۰۸۶، متولد ۱۳۴۱/۰۵/۱۲ بهکار پرورنده کلاسه ۹۹۰۱۱۷ که برابر گزارش مامور شناخته نگردیده‌اید و طبق گزارش مامور به نشانی جدید کچساران شرکت ملی نفت ایران- شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کچساران فشار ضعیف چهار (بونیت) چهار ابلاغ واقعی میسر نبوده، ابلاغ می‌گردد که برابر سند نکاحیه ۴۷۴۷ بین شما و خانم پروین خردامهر مبلغ ۲/۸۰۰/۰۰۰ ریال که به روزخروز یوم الادامحاسبه می‌گردد) به‌دهکار می‌باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجرا مطرح می‌باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آیین‌نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می‌گردد از تاریخ نشر این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه درج . منتشر می‌گردد ظرف مدت دو روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

مدیراجرا و اجداجرای اسناد رسمی دوگنبدان- قدرت‌اله کرم‌پور

سند کمپانی خودرو و وات پیکان رنگ سفیدروغنی مدل ۱۳۸۸
به شماره موتور ۰۵۶۷۳۴ ۱۱۴۸۸۰ و شماره شاسی NAAA36AA8AG871564
مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند مالکیت موتورسیکلت سرعت رنگ مشکی مدل ۱۳۹۵
به شماره پلاک ایران ۷۷۵ - ۳۵۶۷۱
و شماره موتور 0124NB1268622 و شماره شاسی 125B9548796 NB1**
به نام **محمدعارف ازقندیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اینجانب دکتر فاطمه محبوب، دانشیار پاتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران، بدینوسیله اعلام می دارم که پروانه مطب اینجانب به شماره ۹۵-۴۲۶۳۶-۲۲۲ (با تاریخ اعتبار: ۱۴۰۰.۴.۱) و نیز پروانه مسئول فنی آزمایشگاه بیمارستان فوق تخصصی کودکان بهرامی به شماره ۱۶۱۵۲۷-۴ (تاریخ اعتبار: ۹۸.۵.۳۰) مفقود گردیده است. آزمون‌ها کمک کند.

یکشنبه ۱۲۰ مرداد ۱۳۹۹

دریچه

جزییاتی جدید از افزایش «حقوق» مستمری بگیران تأمین اجتماعی

● **شرق:** مدیرکل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی گفت: اجرای قانون متناسب‌سازی حقوق مستمری بگیران در کنار افزایش سنواتی و معمول حقوق این افراد در سال جاری منجر به افزایش مجموع حقوق و مزایای آنان بیش از تورم سال جاری شده و در برخی از اقشار مستمری بگیران افزایش دریافتی حتی تا ۸۰ درصد نیز انجام شده است. ناهید حیدری اظهار کرد: حداقل حقوق مستمری بگیرانی که با داشتن ۳۵ سال سابقه بیمه پردازی به مرحله بازنشستگی رسیده‌اند، در اسفند سال گذشته یک میلیون و ۶۷۰ هزار تومان بود که با افزایش سالانه و متناسب‌سازی با افزایش ۸۰ درصدی به سه میلیون تومان رسید. او افزود: حداقل حقوق مستمری بگیران دارای ۳۰ سال سابقه بیمه پردازی در اسفند سال گذشته یک میلیون و ۶۶۷ هزار تومان بود که با افزایش سالانه و متناسب‌سازی با ۶۸ درصد افزایش به مبلغ دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید.حیدری ادامه داد: حداقل حقوق مستمری بگیران دارای ۲۵ سال سابقه بیمه پردازی در اسفند سال گذشته یک میلیون و ۶۶۵ هزار تومان بود که با افزایش سالانه و متناسب‌سازی با ۶۰ درصد افزایش به مبلغ دو میلیون و ۶۶۶ هزار تومان رسید. مدیرکل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی گفت: حداقل حقوق مستمری بگیران دارای ۲۰ سال سابقه بیمه پردازی در اسفند سال گذشته یک میلیون و ۶۶۴ هزار تومان بود که با افزایش سالانه و متناسب‌سازی با ۴۸ درصد افزایش به مبلغ دو میلیون و ۴۵۸ هزار تومان رسید. حیدری اظهار کرد: رعایت عدالت بیمه‌ای و ارتقاء در اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گرفته و فرمول متناسب‌سازی به‌گونه‌ای طراحی شده است که افرادی که سنوات بیمه پردازی بیشتری دارند، در دوران بازنشستگی دریافتی بالاتری داشته باشند. او افزود: با توجه به اینکه مبالغ متناسب‌سازی متأثر از دوقاکتور میزان سابقه پرداخت حق بیمه و دستمزد مشمول کسر حق بیمه بوده و تاریخ برقراری مستمری افراد مشمول نیز در آن تأثیرگذار است، بنابراین افراد از مبالغ متفاوت بهره‌مند خواهند شد؛ برای مثال، شخصی با داشتن ۳۵ سال سابقه بیمه پردازی که مستمری آن در سال گذشته چهار میلیون و ۹۹۵ هزار تومان بوده، پس از افزایش سالانه و متناسب‌سازی با افزایش ۴۴ درصدی مستمری او به هفت میلیون و ۱۷۵ هزار تومان رسیده است.حیدری ادامه داد: مستمری بگیري با ۳۰ سال سابقه بیمه پردازی که در سال گذشته دریافتی‌اش چهارمیلیون و ۳۰۰ هزار تومان بوده است، پس از افزایش سالانه و متناسب‌سازی با افزایش ۳۹ درصدی دریافتی به بیش از شش میلیون و بازنشسته‌ای با داشتن ۲۵ سال سابقه بیمه پردازی و دریافتی سه میلیون و ۶۰۷ هزار تومان در سال ۱۳۹۸، پس از افزایش مربوط به ۳۷ درصد رشد، دریافتی وی به چهارمیلیون و ۹۳۰ هزار تومان ارتقا یافته است.